

# باغ لاله



شاهکاری از وصال شیرازی

■ اما...میرزا محمد شفیع شیرازی متخلص به وصال شیرازی متوفی سال ۱۲۶۲ هـ . ق در شیراز از بزرگان شعرا و ادبا و عرفای عصر فتحعلی شاه قاجار بود . علاوه بر مراتب علمی، به تمام خطوط هفت گانه (نسخ، نستعلیق، ثلث، رقاع، ریحان، تعلیق و شکسته) مهارتی به سزا داشته و کتابهای فراوانی نیز با خطوط مختلف نگاشته است . از جمله، اینکه ۶۷ قرآن به خط زیبای خود نوشته است . بر اثر نوشتن زیاد چشمش آب می آورد و به پزشک مراجعه می کند، دکتر می گوید: من چشمت را درمان می کنم، به شرطی که دیگر با او نخوانی و خط ننویسی . پس از معالجه و بهبودی چشم، دوباره شروع به خواندن و نوشتن می کند تا اینکه به کلی نابینا می شود . سرانجام با حالت اضطرار متوسل به محمد صلی الله علیه و آله و آل او می شود . شبی در عالم رؤیا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند،



■ حضرت به او می فرماید: چرا در مصائب حسین مرثیه نمی گویی تا خدای متعال چشمت را شفا دهد . در همان حال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حاضر گردیده، می فرماید: وصال! اگر شعر مصیبت گفتی، اول از **حسنم** شروع کن؛ زیرا او خیلی مظلوم است .

■ صبح آن روز وصال شروع کرد دور خانه قدم زدن و دست به دیوار گرفتن و این شعر را سرودن:



از تاب رفت و طشت طلب کرد و ناله کرد  
آن طشت را از خون جگر باغ لاله کرد

نیمه دوم شعر را که گفت، ناگهان چشمانش روشن و بینا شد. آن گاه اضافه کرد:

خونی که خورد در همه عمر، از گلو بریخت  
دل را تهی از خون دل چند ساله کرد

زینب کشید معجز و آه از جگر کشید

کلهشوم زده سینه و از درد ناله کرد

نمود عجب که خون جگر کر شدش به جام

عمریست روزگار، همین در پیاله کرد

توان نوشت قصه‌ی درد و مصیبتش

ورمی توان ز غصه هزاران رساله کرد

هر خواهی که بود روان کرد سیل خون

هر دختری که بود پریشان کلامه کرد

یارب به اہل میت ندانم چه سان گذشت  
آن روز شد عیان کہ رسول از جهان گذشت

باتشکر غلامی سرای دبیر ادبیات سمپاد و صدرا (گروه ادبیات استان)